

کاش آدمها میدونستن که بسیاری از رذایل و بدی هایی که در "خودشون" یا "دیگران" سراغ دارن، در حقیقت "رذیله" و خباثت نیست، بخصوص اگر "مومن" باشن و اهل سیر و صیروت و بهتر شدن...

اون چیزهایی که میگید رذایل، خیلی هاش چیزی نیست جز یک سری "اختلالات روحی"... این اختلالات روحی گاهی از یک اتفاق آغاز میشه

گاهی از یک بیماری سخت و طولانی

گاهی از بعد اضطراب و استرس

گاهی از بعد ناخشنود بودن دائمی

گاهی از غرغره‌های اطرافیان

گاهی از کمبود ویتامین ها یا بهم ریختن هورمون ها

گاهی از عدم ورزش و تحرک و جینگیلی جینگیلی بودن

گاهی از "یک سیر فکری" نداشتن و مدام این شاخه اون شاخه پریدن و پای منبر این و اون بودن

گاهی از غربت و تنهایی و انزوا

گاهی از اثر اطرافیان دپرس و ناامید... و خیلی اوقات، به خاطر "عدم توان تعقل" یعنی "تعقل نکردن..."

خلاصه اینها رو عرض کردم که یه وقت نرید "درمان رذایل" رو برای "درمان اختلالات" به کار ببرید! که فایده نداره و اون اختلالات در جای خودشون باقی خواهند موند... مثلاً کسی که اختلال روحی "شخصیت نمایشی" داره، یعنی دوست داره اموراتش رو همه ببینن! حرفهای دلش رو همه بشنون! هر جا رفت سفر رو همه بفهمن! هر جای جذابی رفت و پست و استوری کنه! و الی آخر...

این هیچ ربطی به رذیله ی "ریا" نداره! و درمانشون هم به هم هیچ ربطی نداره... اختلالات روحی زیاد هستن و درمانشون هم بسیار، اما به لحاظ کلی مهمترین درمان؛ "کنترل ورودی های مغز" هست، چون ورودی زیاد و مضر نباشه، خود مغز اختلالات رو به مرور ترمیم میکنه، بخصوص اگر "غذای خوب" بدین بهش؛ یعنی "کتاب خوب"...